



درباره ورزشگاه میزبان فینال جام جهانی فینال در کاسه خرما

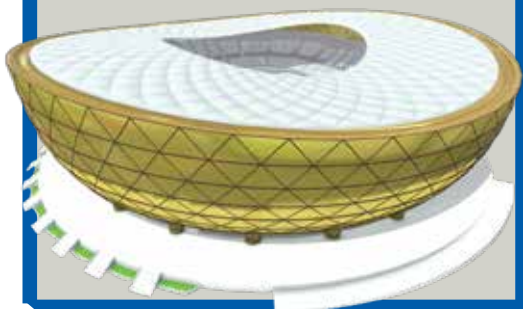
«ملعب لوسیل الدولی». اینجا همان جایی است که به نام لوسیل می شناسیم، بزرگترین و پرطرفدارترین ورزشگاه قطر و یکی از هشت ورزشگاه میزبان جام جهانی ۲۰۲۲. لوسیل امشب میزبان فینال جام جهانی بین فرانسه و آرژانتین است. این ورزشگاه ظرفیت این را دارد تا نزدیک به ۹۰ هزار نفر را درون خود جای دهد.

عملیات خرید و ساخت

سال ۲۰۱۴ عملیات خرید زمین در حدود ۲۰ کیلومتری شمال مرکز دوحه آغاز شد. قطری ها که میزبانی جام جهانی را گرفته بودند با تمام توان سعی می کردند هر چه سریع تر عملیات ساخت ورزشگاه های مورد نیاز را فراهم کنند که لوسیل بزرگترین پروژه در میان آنها به شمار می رفت. بعد از چند سال طراحی در سال ۲۰۱۷ ساخت آن رسماً آغاز شد. لوسیل قرار بود قبل از آغاز جام جهانی ۲۰۲۲ حداقل میزبان سه دیدار دوستانه باشد اما شرایط مهیا نشد و به همین دلیل افتتاح این ورزشگاه در خود جام جهانی رخ داد.

طراحی خاص لوسیل

لوسیل شکلی خاص و بی نظیر دارد. این ورزشگاه بر روی یک طرح دایره ای بنا شده و شکل آن از بیرون شبیه یک کاسه بزرگ است. این کاسه اشاره به ظرف سنتی خرما دارد. وزن این کاسه خرما ۳۰ هزار تن تخمین زده شده است. این سازه عظیم روی ۴۸ ستون شیب دار قرار گرفته و نمای آن نیز طلایی است. سقف این ورزشگاه برخلاف سایر ورزشگاه های میزبان جام جهانی قابل جمع شدن نیست. امکانات بسیار ویژه ای برای لوسیل در نظر گرفته شده و یکی از پیشرفته ترین ورزشگاه های جهان محسوب می شود. گویا قرار است بلافاصله بعد از اتمام جام جهانی ظرفیت آن به کمتر از نصف کاهش پیدا کند چرا که با توجه به جمعیت قطر لزومی ندارد یک ورزشگاه ۸۸ هزار نفری داشته باشند. همچنین سایر قسمت های ورزشگاه به فضایی اجتماعی همراه با فروشگاه ها، کافه ها، امکانات ورزشی و آموزشی و همین طور کلینیک سلامت تغییر کاربری می دهند. امشب لوسیل برای دهمین بار در این جام جهانی میزبان است. آخرین میزبانی، تاریخی ترین آن به شمار می رود، دیدار فرانسه و آرژانتین. امشب در این کاسه خرما چه رخ می دهد؟



انتظار ۳۶ ساله آرژانتین به پایان می رسد؟

آسمان آبی بی تاب!

نقش مایک، شریک استنلی مور (بروس بنت) در معدن نقره می شود، امروز برای ما فیلم هایی مثل «جویندگان طلا» چاپلین و «گنج های سیرامادره» جان هیوستن را البته با پایان هایی خوش و متفاوت اکران کنید، طوری که برانزده سومین قهرمانی مردان سرزمین نقره باشد.

امشب مسی و یارانش می خواهند هم جام را بالای سر ببرند و هم برای اطمینان از تحقق آرزوی ۳۶ ساله و تکرار دو قهرمانی پیشین، به سبک وسترنرها و کابوی های جوینده طلا و صحت اصل بودن آن، مدال های زرینشان را به دندان بکشند. به خاطر بغض و حسرت ۸ سالگی و امتداد این دروغ از ۱۲ سالگی تا ۳۶ سالگی، به خاطر پایان انتظار پدر عزیزم برای چشیدن طعم سه باره قهرمانی تیم محبوبش، به خاطر رفیق همسن و سفر کرده ام مهدی صفارحمیدی که او هم همیشه منتظر دیدن قهرمانی آرژانتین بود، به خاطر شادمانی روح مارادونا که حتماً از آن آسمان آبی بیتاب درخشش مسی در فینال و بالا بردن جام قهرمانی با دستان اوست، به خاطر صبوری، همراهی و همدلی همه هواداران آرژانتین.

به خاطر همه اینها و با وجود حریف قدری به نام فرانسه، در این گام آخر نیاز به روحیه جنگنده، عقبه سرخپوستی آرژانتین و مبارزه چریکی چه گوارایی داریم و آبی سلسله نباید این فرصت طلایی را از دست بدهد.

مارادونا و کلودیو کانیگیا در میانه زمین و خط حمله و درخشش سرخیو گوی کوچه آ درون دروازه با آن پیراهن جذاب پیر از مربع های سبز، آبی، مشکی و صورتی، دلخوش کننده و لذتبخش بود و با این ضیافت تا فینال همراه شدیم، اما نسبت تاریخی آرژانتین بانقره که اصلاً نامش از واژه لاتین argentum به معنای نقره گرفته شده و اشاره به افسانه وجود کوه های نقره در این کشور دارد- کار دست تیم داد و طلا را ژرمن ها به خانه بردند. خود هشت ساله ام را در آن لحظه سوت پایانی ادگاردو کودسال و موقع دیدن مارادونای گریان به یاد می آورم و بغض و حسرت از دست دادن قهرمانی آرژانتین عزیز و قناعت به نقره. دریغی پیوسته و ادامه دار تا امروز که غم نایب قهرمانی در فینال جام جهانی ۲۰۱۴ مقابل آلمان و گل خوردن در دقیقه ۱۱۳ هم به آن اضافه شد.

راستش، به نظر آبی سلسله به اندازه کافی دینش را به وجه تسمیه سیمین آرژانتین ادا کرده است، آن هم با سه بار دریافت مدال نقره در جام های جهانی ۱۹۳۰، ۱۹۹۰ و ۲۰۱۴. ما امشب بعد از ۳۶ سال جویندگان طلاسیم و می خواهیم مثل سال های ۷۸ و ۸۶ ضرب المثل «جوینده، یابنده است» را در عمل هم نشان دهیم.

اگر از جنبه سینمایی هم بخواهیم به موضوع ورود کنیم، امشب سلیقه ما فیلمی مثل «رودخانه نقره ای» با بازی ارول فلین نیست که به

نه! دیگر بس است. نمی خواهیم ۳۶ سال انتظار کیش بیاید، به کمال چهل سالگی برسد و بحران ورود به دهه پنجم چشم انتظاری، زخم مضاعفی بر روح ما هواداران سفید و آبی آسمانی ها شود.

به ویژه برای من که در چهار سالگی هیچ تصویری از جادوی مارادونا در جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک و آن گل های دست خدا، گل قرن و درو کردن بازیکنان انگلیس، دو گل تماشایی اش به بلژیک در نیمه نهایی و پیروزی ۳ بر ۲ در فینال مقابل آلمان غربی با گل های خوزه لوئیس براون، خورخه والدانو و خورخه بوروچاگا و بالا بردن جام قهرمانی با دستان کاپیتان مارادونا را به یاد ندارم و هرچه دیدم و مرور کردم مربوط به سال های بعد است.

عشق دیرینه پدرم ارسلان رستگار به تیم ملی فوتبال آرژانتین که با دیدن قهرمانی های این تیم در جام های ۷۸ و ۸۶ تشدید و به من منتقل شده بود، در ۸ سالگی و به وقت حضور آرژانتین در جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا شکل جدی تری به خود گرفت. اما این علاقه که بعد از تماشای هنرنمایی مارادونا در بخش خبری قبل از بازی افتتاحیه، امیدواری رویت قهرمانی تیم محبوب و یک شادمانی پدر- پسر را تقویت کرد، درست در اولین گام و در مواجهه با شیرهای رام نشدنی کامرون جایش را به یک سرخوردگی داد. گرچه حضور درخشان



علی رستگار
روزنامه نگار

